

نشانه‌شناسی فرهنگی و تحلیل قلمروهای مکانی در مسکن سنتی ایران

بابک شاه‌پسندزاده^{۱*} - کاظم ماندگاری^۲

۱. استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران (نویسنده مسئول).
۲. استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۱ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۵/۰۳/۱۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۳۱

چکیده

قلمروهای مکانی در مسکن سنتی ایران با مفهوم فرهنگی حریم و عرصه‌بندی‌های تقابلی (خصوصی - عمومی)، موضوعی مهم در مرزبندی درون - بیرون هستند. معماری کامل‌ترین بازتاب فرهنگ و مطالعات فرهنگی موضوع مورد توجه نشانه‌شناسی است؛ در نشانه‌شناسی فرهنگی، رمزگان، پدیدآورنده نظام‌های نشانه‌ای با قابلیت مفهوم‌سازی‌اند و در تحلیل مفاهیم فرهنگی چون قلمروها کارآیی دارد. لذا با بررسی قلمرو مکانی مسکن سنتی توسط نشانه‌شناسی فرهنگی، می‌توان به الگویی برای تحلیل این معنا رسید. هدف تحقیق معرفی جایگاه مبانی نشانه‌شناسی فرهنگی در تفسیر نظام‌مند مفاهیم مرزبندی مسکن سنتی ایران و هویت‌مندی این معماری است. پرسش‌های تحقیق عبارتند از این که چگونه می‌توان به واسطه قواعد نشانه‌شناسی فرهنگی، مرزبندی‌ها، حریم و نشان‌داری قلمروها در مسکن سنتی را تحلیل کرد؟ گردآوری داده‌ها و تکمیل ادبیات نشانه‌شناختی، با مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای؛ تحلیل داده‌ها برای تدوین چارچوب مفهومی و بسط مبانی نشانه‌شناسی فرهنگی به حوزه معماری با روش توصیفی - تحلیلی، و ساماندهی داده‌ها و تفسیر نتایج با راهبرد استدلال منطقی انجام می‌شود. از آنجایی که مفهوم فرهنگی قلمرو در مسکن سنتی ایران، بر مفاهیم مرزگذاری‌های فرهنگی - اجتماعی در کالبد دلالت دارد، خوانش قلمروها در نشانه‌شناسی فرهنگی، که مبتنی بر «سپهر نشانه‌ای» و «ارتباطات جانشینی» است، با شناسایی نظام‌های نشانه‌ای مکان و ارتباطشان با مفاهیم این قلمروها قابل ردیابی است. در رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی، مکان به واسطه قلمروها نشان‌دار یا هویت‌مند می‌شود؛ این مهم توسط تعریف اجزاء قلمرو و روابط میان آن‌ها در رمزگان فرهنگی حریم قابل شناسایی است؛ رمزگانی که خود در رابطه‌ای سلسله‌مراتبی با فضای نشانه‌ای در معماری مسکن سنتی ایران، توسط مکان یا نظام‌های نشانه‌ای شکل‌دهنده به مفاهیم تعریف می‌شوند. لذا، شناخت هم‌ترازی تقابلهای عرصه خصوصی - عمومی در معماری با تقابلهای خود (درون) - دیگری (بیرون) در نشانه‌شناسی فرهنگی، الگوهایی را برای تحلیل ساختار مفهومی قلمروها، با عنایت به چگونگی عرصه نشان‌دار خصوصی در تقابل با عرصه بی‌نشان عمومی، در این حوزه از معماری ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: رمزگان، قلمرو مکانی، فرهنگ، مسکن سنتی ایران، نشانه‌شناسی فرهنگی.

۱. مقدمه و بیان مساله

«قلمروهای مکانی»، که یکی از مهم‌ترین مفاهیم برگرفته از معنای حریم در معماری هستند، به واسطه عرصه‌بندی‌های تقابلی (خصوصی-عمومی) شکل می‌گیرند. این مفهوم در معماری سنتی ایران، بنابر قراردادهای برگرفته از باورها و هنجارهای فرهنگی-اجتماعی (که در رویکرد نشانه‌شناسانه رمزگان نامیده می‌شوند)، مفهومی حائز اهمیت در مقوله مرزبندی درون از بیرون هستند؛ مفهومی که در معماری معاصر کمتر به آن توجه و مغفول واقع شده است. در این پژوهش، انتخاب مسکن سنتی به عنوان مورد مطالعاتی، علاوه بر تعیین «محدوده تحقیق»، نسبت به کاربری‌های دیگر دامنه تاثیرگذاری و قابلیت انتقال‌پذیری بیشتری داشته و با وجوه متنوع‌تری از قلمروها مرتبط است. همچنین در معماری مسکن سنتی، به شیوه‌ای ناخودآگاه از تمام گونه‌های نشانه‌های فرهنگی جهت تعیین قلمرو و مفاهیم مرزبندی استفاده شده است.

مکان در مسکن سنتی ایران، مانند نظامی نشانه‌ای است که با مولفه‌هایش (کالبد، فعالیت و تصورات)، قراردادهای فرهنگی-اجتماعی مرزگذاری یا همان قلمروهای مکانی را ارائه می‌نماید. لذا پی‌جویی سازوکار دستیابی به قلمروهای مکانی و تحلیل آن‌ها به واسطه ارتباط مفاهیم مکان با مبانی نشانه‌شناسی، هدف اصلی این تحقیق است که با بسط مبانی نشانه‌شناسی فرهنگی در دیدگاه‌های لوتمان، یاکوبسن و سوسور به حوزه معماری انجام می‌شود.

از منظر نشانه‌شناسی، کالبد و رفتارهایی که درون یک فرهنگ معنا دارند نشانه تلقی می‌شوند و نشانه‌شناسی از این طریق می‌کوشد قوانین و قراردادهایی (رمزگانی) را که توسط اعضای آن فرهنگ، آگاهانه یا ناآگاهانه درونی شده‌اند و معنای کالبد یا رفتارها را ممکن می‌سازند، تشخیص دهد (Culler 2011, 76). «نشانه‌شناسی فرهنگی» نیز، شاخه‌ای از نشانه‌شناسی است که بر اساس دیدگاه‌های «یوری لوتمان» و «مکتب تارتو» پایه‌ریزی شده است. این مبانی با معرفی «سپهر نشانه‌ای»، به عنوان یک فضای نشانه‌ای، که کاربرد و معنای رمزگان و نظام‌های نشانه‌ای در آن شکل می‌گیرد، شناخته می‌شود. در این دیدگاه، «فرهنگ» از تقابل خود (درون)-دیگری (بیرون)، و مفاهیم فرهنگی بر اساس تعامل تمایزات و تشابهات در این تقابل‌ها ساخته می‌شوند؛ در واقع نظام‌ها و واحدهای نشانه‌ای به واسطه رمزگان فرهنگی، که اعضای فضای نشانه‌ای هستند، در همین تقابل‌های دوگانه یعنی خود فرهنگی، دیگری فرهنگی و همچنین تقابل‌هایی در دل خود فرهنگی یعنی مرکز و حاشیه دارای هویت و معنا می‌شوند. تمامی این تقابل، تمایز و تشابه‌ها، از بطن «روابط جانشینی» سوسور، و با تمرکز بر حضور و غیاب دال‌ها (کالبدها) در مناسبات هم‌زمانی پدید می‌آیند که موجب شکل‌گیری تقابل دوگانه دیگری

یعنی «نشان‌داری» (حضور یک مفهوم) و «بی‌نشانی» (غیاب یک مفهوم) می‌شوند.

از یک سو در تعامل مبانی نشانه‌شناختی با معماری مسکن سنتی، مفاهیم قلمرو مکانی به‌مثابه زیررمزگان و حریم به‌مثابه رمزگان فرهنگی بررسی می‌شوند. از سوی دیگر گونه‌های قلمرو، یعنی «عرصه‌بندی» خصوصی تا عمومی، به ترتیب در تناظر با تقابل‌های دوگانه‌ی خود فرهنگی (درون)-دیگری فرهنگی (بیرون) و تقابل‌های نشان‌داری-بی‌نشانی، واکاوی می‌شوند؛ در ادامه، انواع قلمرو مکانی بر حسب میزان و زمان کنترل عرصه‌ها، در هم‌ترازی با مناسبات نشانه‌شناختی هم‌زمانی و در زمانی قابل بررسی هستند. با این وصف، اهداف این تحقیق عبارت است از: تحلیل نظام‌مند قلمروهای مکانی در مسکن سنتی ایران به واسطه مبانی نشانه‌شناسی فرهنگی؛ شناخت تاثیر قواعد رمزگان در نشانه‌شناسی فرهنگی بر مرزبندی حریم در قلمروهای مکانی؛ و همچنین شناسایی قلمروها با دو گونه روابط بین عرصه‌ای و جانشینی به‌مثابه عرصه‌های تقابلی نشان‌دار خصوصی و بی‌نشان عمومی می‌باشد.

۲. پیشینه تحقیق

در خصوص جایگاه نشانه‌شناسی در مفهوم کلی و نه نشانه‌شناسی فرهنگی، در معماری و تعامل این دو در راستای مفاهیم معمارانه، مقالات بسیاری به رشته تحریر درآمده که زمینه‌های این تعاملات را می‌توان در چهار دسته تقسیم‌بندی نمود:

الف. تحقیقات انجام‌شده در تعامل نشانه‌شناسی و معماری و زمینه‌های آن‌ها، شامل: ارتباط میان مفاهیم نشانه‌شناسانه و مبانی نظری معماری، بدون مصادیق و در قالب مباحث کلی (فروغمند اعرابی، ۱۳۹۵؛ امیری خوشکاروندانی، ۱۳۹۵؛ امرایی، ۱۳۹۳؛ وسکاه و منصوری، ۱۳۹۵؛ غفاری و فلامکی، ۱۳۹۵)، بیان خصوصیات شیوه‌های تحلیل نشانه‌شناختی و یا شباهت و تفاوت‌های آن‌ها در قرائت آثار معماری (فلاحت و نوحی، ۱۳۹۱؛ رحیمی اتانی و همکاران، ۱۳۹۷؛ باقری و عینی‌فر، ۱۳۹۲؛ فیاض و همکاران، ۱۳۹۰)، خوانش نشانه‌شناسانه بر روی بخشی از یک بنا (مانند ورودی)، یا یک بنا مانند مسجد یا آرامگاه) و یا یک عملکرد خاص مانند عملکرد مسکونی (رئسی و نقره‌کار، ۱۳۹۰؛ سخاوت‌دوست و البرزی، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷؛ بمانیان و همکاران، ۱۳۹۲؛ سهیلی و مهاجرپور، ۱۳۹۴؛ نژادابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۷؛ قنبری و سلطان‌زاده، ۱۳۹۵؛ آویده طلایی و فرح حبیب، ۱۳۹۷)؛ تعامل نشانه‌شناسی و رویکردی از تحقیقات کیفی، با ارزیابی منطقه‌ای خاص (حمه‌جانی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ بیان اندیشه‌های نشانه‌شناسانه یک نظریه‌پرداز در تحلیل کلیت معماری، دیدی جامع و کل‌نگر به معماری اسلامی و جایگاه رمزپردازی در آن (روشن و شیبانی، ۱۳۹۴، واعظی و همکاران، ۱۳۹۷، رئسی و همکاران، ۱۳۹۳) و بررسی

و کارکردهای آن (احمد پاکتچی، ۱۳۹۰) و معماری: نشانه‌های فرهنگی خانه‌های تاریخی کاشان (امیرعلی نجومیان، ۱۳۹۴).

در دسته اول، مطالعات صرفاً در خصوص جایگاه و ویژگی‌های مبانی قلمرو فضایی در معماری می‌باشند و رویکرد خاص این پژوهش در آن‌ها جایگاهی ندارد؛ دسته دوم، اگر چه قابلیت استناد برای بررسی‌های مشابه در حوزه معماری دارند، اما ماهیتاً ارتباطی با معماری نداشته و برای تعامل نشانه‌شناختی و معماری مطالعه‌ای در آن‌ها انجام نشده است؛ در دسته سوم، علی‌رغم تعامل مبانی نشانه‌شناسی فرهنگی با معماری، به زمینه قلمروهای مکانی و تقابل‌های دوگانه آن‌ها یا عرصه‌بندی فضایی در معماری و مسکن سنتی ایران که هدف این تحقیق است، ورود نکرده‌اند و از این رو تحقیق پیش رو از بداعت و تازگی برخوردار می‌باشد.

۳. فرضیه تحقیق

به واسطه قابلیت تحلیلی رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی، می‌توان به تدوین الگوهایی برای تحلیل معنای قلمروهای مکانی در معماری سنتی ایران دست یافت؛ برای دستیابی به این الگوها، پژوهش حاضر نیازمند نمونه‌ای با قابلیت «الگویابی» و همچنین رویکردی با قابلیت «الگودهی» است. نمونه مورد نظر مسکن سنتی ایران بوده که به دلیل دارا بودن کیفیت ارتباطی و دلالتی (علاوه بر ماهیت کالبدی و کارکردی)، معرف جایگاه ویژه‌ی معنای قلمروهای مکانی در این گونه از معماری است. رویکرد مورد نظر نیز نشانه‌شناسی فرهنگی است که با توجه به جایگاه ویژه‌ی تفسیر معنا در آن می‌تواند پاسخگوی پرسش‌هایی در تحلیل معنای قلمروهای مکانی باشد، پرسش‌هایی که در آن‌ها به تبیین چگونگی «ارتباط معنایی» به وسیله کالبد و همچنین چگونگی «دلالت معنایی» به واسطه آن پاسخ داده خواهد شد. از این رو، مکان در مسکن سنتی به مثابه نظامی نشانه‌ای و با مولفه‌هایش، یعنی کالبد، فعالیت و تصورات، که همان واحدهای نشانه‌ای هستند، بازتابی از رمزگان قلمروهای مکانی یا قراردادهای فرهنگی- اجتماعی درونی شده‌ی جوامع سنتی است.

۴. روش و محدوده تحقیق

در این تحقیق، استخراج مفاهیم از طریق بازخوانی مبانی نشانه‌شناسی فرهنگی و ارتباطات آن‌ها با قلمروهای مکان صورت خواهد پذیرفت، لذا رویکرد این تحقیق از نوع کیفی و ماهیت آن اکتشافی است. موضوع تحقیق از پیشینه نظری قابل استنادی برخوردار بوده و با بهره‌گیری از این سوابق، در مرحله اول برای «گردآوری داده‌ها» و تکمیل ادبیات موضوع، از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای جهت توصیف و طبقه‌بندی مبانی نشانه‌شناسی فرهنگی و معماری استفاده می‌شود. سپس برای «تحلیل داده‌ها»،

وجوه نشانه‌شناسی به‌طور مشخص و موردی در طراحی شهری (حسینی میان رودی و همکاران، ۱۳۹۶، ماجدی و سعیده زرابادی، ۱۳۸۹، دانش‌پور و همکاران، ۱۳۹۱؛ ترکاشوند و مجیدی، ۱۳۹۲). از سوی دیگر با توجه به موضوع این تحقیق، یعنی بررسی «جایگاه نشانه‌شناسی فرهنگی در قلمروهای مکانی»، می‌توان اهم سوابق مطالعات مرتبط با موضوع این تحقیق را در سه دسته کلی یعنی: «مطالعات قلمرو مکانی، نشانه‌شناسی فرهنگی و نشانه‌شناسی فرهنگی در معماری» تعیین نمود، که عبارتند از:

ب. تحقیقات مبتنی بر قلمروهای مکانی، شامل: بازشناسی مفهوم قلمرو در سه حوزه کالبدی، رفتاری و معناشناختی در مفهوم کوچ (علی‌اکبر حیدری، قاسم مطلبی و غزاله انصاری راد، ۱۳۹۷)؛ قلمروپایی در سکونتگاه‌های دانشجویی (فهییم معتضدیان و قاسم مطلبی، ۱۳۹۳)؛ بررسی تاثیر انواع ساختار فضایی بر میزان تفکیک قلمروهای خصوصی و عمومی در خانه‌های سنتی درونگرای ایران به روش چیدمان فضا (نجمه زنگنه، حامد مضطرزاده، ملیحه تقی‌پور و طاهره نصر، ۱۳۹۹) و مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی (علیرضاعینی‌فر و آزاده آقالطیفی، ۱۳۹۰).

ج. تحقیقات مبتنی بر نشانه‌شناسی فرهنگی، شامل: بازنمایی مردم کرد در سینمای داستانی ایران؛ مطالعاتی در نشانه‌شناسی فرهنگی (بهروز محمودی بختیاری، فریدون علیاری و اعظم حسن‌پور، ۱۳۹۵)؛ نشانه‌شناسی چشم‌اندازهای فرهنگی، راهبردی مفهومی در جغرافیای فرهنگی (سید وحید عقیلی و علی احمدی، ۱۳۹۰)؛ نقش ترجمه فرهنگی در مطالعات میان‌رشته‌ای با تاکید بر الگوهای نشانه‌شناسی فرهنگی (قاسم درزی و احمد پاکتچی، ۱۳۹۳)؛ نشانه‌شناسی چشم‌اندازهای فرهنگی در جغرافیای فرهنگی؛ راهبردی مفهومی برای کشف و فهم معنا (ابراهیم فیاض، حسین سرفراز و علی احمدی، ۱۳۹۰)؛ ارتباطات بین‌فرهنگی: ترجمه و نقش آن در فرآیندهای جذب و طرد/ ارتباطات بین‌فرهنگی: رویکرد نشانه‌شناختی (فرزان سجودی، ۱۳۸۸) و نشانه‌شناسی فرهنگی در آثار هنر محیطی (آسیه محمدیان و محمدرضا شریف‌زاده، ۱۳۹۲).

د. تحقیقات مبتنی بر تعامل نشانه‌شناسی فرهنگی با معماری و شهرسازی، شامل: ارتقاء هویت ورودی ایستگاه‌های مترو شهر تهران با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی فرهنگی (حسین باقری و مهدی حمزه نژاد، ۱۳۹۴)؛ از نشانه‌های شهری تا نشانه‌های فرهنگی- اجتماعی؛ به سوی رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی (زهره ترکمن، مجتبی انصاری و مصطفی کیانی، ۱۳۹۸)؛ قنادی کاکا در کلاردشت: شکل‌گیری فضایی غشایی و میانی با تنشی بالا در بطن فرهنگ خودی (معین بابک، ۱۳۹۰)؛ تحلیل نشانه‌شناختی هویت دوگانه در یک محله شهری

لذا بررسی مجدد آن معماری در انطباق با زمینه‌های معناکاوی معاصر، یعنی نشانه‌شناسی فرهنگی و مدون کردن الگوهای نانوشته آن، می‌تواند موجب نظام‌مند شدن تحلیل فرآیند شکل‌گیری قلمروهای مکانی در معماری باشد.

۵. پرسش‌های تحقیق

با توجه به اهداف پیش‌گفته، پرسش‌هایی که این تحقیق به آن‌ها پاسخ خواهد داد عبارتند از:
نسبت میان مکان در مسکن سنتی با نظام‌های نشانه‌ای و نشان‌داری فرهنگی چیست؟
چگونه می‌توان به واسطه قواعد نشانه‌شناسی فرهنگی، مرزبندی‌های قلمرو در معماری سنتی را تحلیل کرد؟
جایگاه نشانه‌شناسی فرهنگی در تدوین قلمروهای مکانی مسکن سنتی ایران کجاست؟
شناسایی نشان‌داری قلمروها، چه اهمیتی در تحلیل مفهوم حریم در مسکن سنتی دارد؟

۶. مبانی و چارچوب نظری تحقیق

آن‌چه به مفاهیم ادراک‌شده‌ی یک مکان، از جمله قلمروهای آن شکل می‌دهد، تمایز میان اجزاء آن قلمرو در سلسله‌مراتبی است که مبتنی بر مرزبندی فرهنگی ایجاد و در نتیجه باعث هویت‌یابی قلمرو یا نشان‌داری آن می‌شود. از این رو شناخت نظام‌مند مفهوم قلمرو، به واسطه مبانی نشانه‌شناسی فرهنگی و قواعد مرتبط با موضوع تحقیق، که حاوی مبانی فکری و بنیان‌های فلسفی است، می‌تواند در دسته‌بندی مفهوم قلمرو مکان‌های مسکن سنتی، موثر واقع شود. از این طریق، شیوه‌ای از دسته‌بندی نظام‌مند در خصوص قلمروهای مکانی قابل شکل‌گیری است که بر پایه آن، تحلیل معماری سنتی به واسطه هنجارها، باورها و یا قواعد فرهنگی قابل انجام می‌باشد. پیش از آغاز تحلیل داده‌ها، مبانی و چارچوب نظری تحقیق یعنی مرزبندی‌های تقابلی و نشان‌داری فرهنگی به شرح ذیل بررسی می‌شوند:

- نشانه‌شناسی: نشانه‌شناسی، مطالعه چگونگی شکل‌گیری دلالت‌های معنایی یعنی روابط میان اجزاء دال و مدلول و سازوکار تبادل معنا یا تولید و تفسیر معنا بر اساس نظام‌های نشانه‌ای است. نشانه نیز عبارتست از محرکی که تصویر ذهنی آن با تصویر ذهنی محرکی دیگر تداعی می‌شود؛ این تداعی به واسطه فرآیند ذهنی ارجاع محرک عینی اول به محرک ذهنی دوم شکل می‌گیرد؛ کارکرد محرک اول، برانگیختن محرک دوم با هدف برقراری ارتباط است (Guiraud 2001, 39). در تعریفی دیگر، نشانه پدیده‌ای آشکار و محسوس است که به واسطه ارتباط «شبهات، علیت یا قرارداد» با یک پدیده پنهان و معقول، جانشین آن شده و بر آن دلالت می‌کند. «نشانه‌ها موضوعاتی فیزیکی و در عین حال معنادار هستند»

تدوین چارچوب مفهومی و بسط مبانی تحقیق، روش توصیفی-تحلیلی کارآیی دارد. در بخش توصیفی به بررسی دیدگاه‌های نشانه‌شناسی فرهنگی پرداخته، مفاهیم پایه و مبانی نظری در قالب جداول و نمودارهایی تلخیص می‌شود. در بخش تحلیلی، به منظور تعیین قلمروها بر پایه نشانه‌شناسی فرهنگی در معماری، چارچوب مفهومی تحقیق بر اساس مرور ادبیات تبیین‌شده، با تحلیل تعاملی آن‌ها، پیرامون بررسی تطبیقی مکان و دسته‌بندی قلمروهای آن بر پایه قواعد نشانه‌شناختی، روابط جدیدی ارائه می‌شود. مرحله دوم تحقیق به چگونگی تعامل مفاهیم نشانه‌شناسی فرهنگی و قلمرو مکانی نظر دارد؛ برای «ساماندهی داده‌ها» و تفسیر یافته‌ها و بررسی چگونگی مداخله مبانی نشانه‌شناسی فرهنگی در شکل‌دهی به قلمروهای مکانی از راهبرد استدلال منطقی با گونه‌های قیاسی و استنتاجی استفاده می‌شود. با توجه به این که در راهبرد استدلال منطقی، پذیرش منطقی بودن یک سامانه در محیط فرهنگی آن معنا دارد، لذا برای تحدید گستره تحقیق و دستیابی به محدوده تحقیق، الگوهای مستخرج از چارچوب نظری پژوهش در مفاهیمی از مسکن سنتی نمونه‌یابی خواهند شد.

در خصوص دلیل انتخاب معماری مسکن سنتی در پژوهش، می‌توان این‌گونه بیان کرد که توجه به تجلیات نشانه‌شناختی در معماری با فرهنگ بومی، می‌تواند ویژگی‌های این معماری در برانگیختن ادراک مخاطب و واکنش به مفاهیمی مانند قلمروهای مکانی را آشکار نماید. لذا تحلیل این مفهوم در مسکن سنتی به واسطه نشانه‌شناسی فرهنگی، از دو منظر حائز اهمیت است: از یک سو «مفهوم خانه، ساختاری با عملکرد چندجانبه است که تحت تاثیر مولفه‌های فرهنگی، اجتماعی و محیطی کالبد یافته است؛ در نتیجه ساختار آن فراورده فرهنگ محسوب می‌شود» (Rapoport 1969, 46). از سوی دیگر، در بسیاری از مطالعات نشانه‌شناختی موجود، نمونه‌ها عمدتاً شامل فضاهای شهری و یا بناهایی با ابعاد شاخص‌تر مانند مساجد، بازار و غیره بوده است. این امر در مقایسه با گونه‌های دیگر معماری مانند خانه، که از ویژگی‌های ابعادی فوق‌برخوردار نیستند، این ذهنیت را پدید آورده که نوعی از معماری، تنها نمونه مقبول در مطالعات نشانه‌شناسی است، در حالی که دیدگاه نشانه‌شناختی، هر تولید فرهنگی را موضوع مطالعه خود قرار می‌دهد. لذا انتخاب نمود کاربردی تحقیق، یعنی مسکن سنتی، علاوه بر تعیین «محدوده تحقیق»، گونه‌ای است که نسبت به کاربری‌های دیگر از یک سو گستردگی، دامنه تاثیرگذاری و قابلیت انتقال‌پذیری بیشتری داشته و با وجوه متنوع‌تری از قلمروهای مکانی مرتبط است؛ از سوی دیگر در معماری مسکن سنتی، به شیوه‌ای ناخودآگاه از تمام گونه‌های نشانه‌ای فرهنگی جهت تعیین قلمرو و مرتبط نمودن مخاطب با مفاهیم مرزبندی بهره برده می‌شود؛

مولفه‌های مکان، به شکل «هم‌زمانی»^۳ با واحدهای حاضر و به شکل «درزمانی»^۴ با واحدهای غایب، که در زمانی دیگر تجلی داشته‌اند در ارتباط است و معنا در ارتباط بین همه واحدها و نظام‌های نشانه‌ای با حضور توأمان مناسبات هم‌زمانی و درزمانی حاصل می‌شود. به این مقوله در بحث نشان‌داری پرداخته خواهد شد.

۷. بحث و تحلیل

مرزبندی‌های تقابلی یا «تقابل‌های دوگانه یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر نظام (نشانه‌ای) اند» (Lyons 1977, 21). بنا بر دیدگاه یاکوبسن (۲۰۰۰)، واحدهای نشانه‌ای توسط نظامی از مرزبندی‌های تقابلی دوگانه به هم مرتبط و در عین حال محدود می‌شوند و این تقابل‌ها در تولید معانی فرهنگی به شرح ذیل نقش بنیادی دارند:

۷-۱- مرزبندی‌های تقابلی

مهم‌ترین این تقابل‌های نشانه‌شناختی، شامل دو دسته تقابل «خود فرهنگی- دیگری فرهنگی» و «نشان‌داری- بی‌نشانی» است. مفاهیم فرهنگی ناشی از نگاه سلبی به آن‌ها است، یعنی هر فرهنگ طبق گونه‌ای از مرزبندی، با تقسیم جهان به «فضای درونی خود» و «فضای بیرونی دیگری» آغاز می‌شود (Lotman 1999, 21)؛ بر این اساس، لوتمان الگویی برای گونه‌شناسی فرهنگی در نظام‌های نشانه‌ای با ابتنای به مرزبندی تقابلی ارائه می‌دهد که شامل «خود فرهنگی» با ویژگی نظم و «دیگری فرهنگی» با ویژگی بی‌نظمی است. مرزبندی تقابلی دیگر لوتمان در دل فرهنگ خودی، جداسازی میان «مرکز» به عنوان نماینده هویت خودی و «حاشیه» است که علیرغم تعلق به فرهنگ خودی، مدام از آن می‌گریزد؛ مرکز، درونی و بسته (ایستا) بوده و حاشیه، بیرونی و گشوده (پویا) است. در مرکز سپهر نشانه‌ای، زبان طبیعی یک فرهنگ به شیوه‌ای نظام‌یافته شکل گرفته و «خود» را تعریف می‌کند. این مرکز شامل «قواعد هنجار یک فرهنگ» (یا همان رمزگان فرهنگی) است (Ibid, 16). در تقابل با این مرکز، حاشیه‌ای یعنی فضای میانه بین فرهنگ خودی و دیگری است که از ویژگی‌های آن یعنی مرکز‌گریزی از هسته و همچنین عدم تعلق به فرهنگ دیگری شکل گرفته؛ حاشیه دائماً با دیگری فرهنگی در ارتباط است که به واسطه این ویژگی‌های نشانه‌ای، موجب پویایی فرهنگی می‌شود. فضای حاشیه‌ای به واسطه کارکرد دوگانه انفصال و اتصال خود، فرهنگ خودی را از فرهنگ دیگری، هم جدا کرده و هم در عین حال سبب پیوند آن‌ها می‌شود. فضاهای حاشیه، فضای خلاقیت و خلق معناهاى تازه و مرکز را می‌توان فضای تکرار به‌شمار آورد (Moein 2010, 195) که این معرف ساختار دوگانه نظام‌های فرهنگی است.

(Chandler 2015, 21)؛ هر نشانه برای دریافت توسط حواس و برقراری ارتباط، می‌بایست الزاماً نمود مادی داشته باشد و نشانه بودن مستلزم وجود یک فرم مادی و اشاره به چیزی غیر از خود است. زبان فضا و مکان معماری به گونه‌ای فرازبانی می‌تواند مانند ابزار خوانش فرهنگ و جامعه به کار آید و از این رو، کالبد معماری در صورت داشتن ویژگی‌های نشانه‌ای، واسطه‌ای برای آشکار شدن و بیان مفاهیم در آن خواهد بود (Eco 1986, 16).

فرهنگ و نظام‌های نشانه‌ای: از همنشینی نظام‌مند نشانه‌ها و ارجاع به قراردادهای اجتماعی- فرهنگی هر جامعه، «رمزگان» شکل می‌گیرد؛ رمزگان که چارچوبی برای معناداری نشانه‌ها هستند، برای مخاطبان هر رسانه (یا اعضاء جامعه تفسیری)^۱، در یک چارچوب گسترده فرهنگی، مشترک و آشنا هستند (Chandler 2002, 147). فرهنگ در نشانه‌شناسی، یک دستگاه پیچیده از نظام‌های نشانه‌ای است که از طریق رمزگان و زیررمزگان درونی‌شده‌اش مانند رمزگان حریم و زیررمزگان قلمرو، گستره معنایی مانند مرزبندی، انفصال یا اتصال حریم درونی از بیرونی فضا را آفریده و امکان «تبادل و تعامل معنایی» را به‌وجود می‌آورد. در حقیقت، فرهنگ در برگیرنده رفتارهای معنادار انسان بوده و رمزگان، رفتارها را قابل ارزش و ادراک می‌کند (Sojoodi 2009, 129). از آن‌جا که فرهنگ، نظامی جامع است که در دو سطح رمزگان حریم و نظام نشانه‌ای مکان عمل می‌کند، تحقق عینی و فیزیکی رفتارهای فرهنگی در حوزه معماری صورت می‌پذیرد. در واقع مکان معماری به‌مثابه یک نظام نشانه‌ای، نمود عینی فرهنگ است و دستگاه رمزگان، به رسانه معماری امکان تحقق معناداری و ارتباط‌پذیری را در یک «کنش ارتباطی» می‌دهد.

سپهر نشانه‌ای^۲ (موقعیت گفتمانی یا رمزگان): یک «کنش ارتباطی» مبتنی بر فرهنگ، زمانی تشکیل‌دهنده یک نظام کاربردی است که در یک «فضای نشانه‌ای» قرار داشته باشد. برای محقق شدن این کنش ارتباطی، می‌بایست تمام اعضاء حاضر در آن، تجربه هستی و زیستی در فضای نشانه‌ای را دارا باشند (Lotman 1999, 10). این فضای نشانه‌ای، همان «سپهر نشانه‌ای» یا فرهنگی لوتمان و هم‌تراز با مفهوم مکان در حوزه معماری است که همه اعضاء تشکیل‌دهنده آن یعنی نظام نشانه‌ای یا مکان و قواعد نشانه‌ای رمزگان یا معنای حریم در آن شناورند (Moein 2020, 189) و در ارتباط با این «فضای نشانه‌ای فرهنگی» شکل می‌گیرند؛ در واقع، سپهر نشانه‌ای، فضای نشانه‌ای لازم برای «کارکرد» نظام‌های نشانه‌ای و «ارتباط» آن‌ها با یکدیگر است (Ibid, 190). از دیدگاه لوتمان، سپهر نشانه‌ای ویژگی پویایی دارد که از یک سو به دلیل «تنوع» اعضاء تشکیل‌دهنده‌اش و از دیگر سو، به واسطه «تفاوت» کارکردهای آن‌ها، بر اساس «مرزبندی‌های تقابلی» شکل گرفته است. در سپهر نشانه‌ای، هر واحد نشانه‌ای مانند

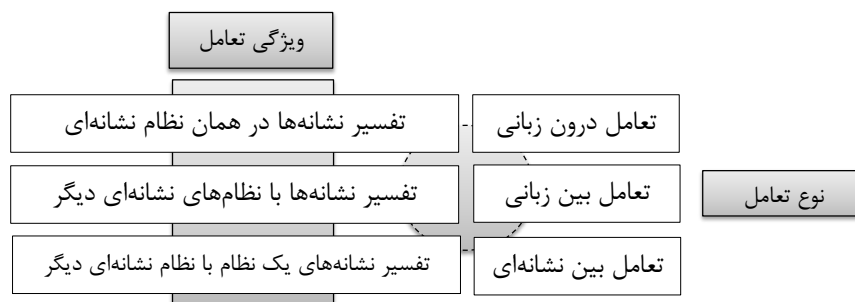
– ساختار دوگانه نظام فرهنگی

رمزگان فرهنگی، پیوسته «خود» را تعریف و با ارجاع به سنت‌های فرهنگی یا تاریخی، حدودی را برای آن تعیین می‌کنند تا به واسطه تمایز (زمانی یا مکانی) خود از دیگری، هویت و ارزش بیافرینند. از سوی دیگر، این رمزگان پیوسته در تعامل با «دیگری» و آمیختن با دیگر رمزگان‌های فرهنگی‌اند تا همان هویت فرهنگی ایجادشده بر اثر تمایز را از طریق کنش ارتباطی با آن دیگری فرهنگی، به کار بگیرند (Ibid, 132). در این بین، حاشیه‌ها به دلیل ویژگی پویایی، یعنی عدم تعلق کامل به این جا و آن جای

فرهنگی، برای آمیختن با دیگر رمزگان‌ها و ارتباطات بین فرهنگی، «فضای تعامل (ترجمه) بین فرهنگی» به شمار می‌آیند (Lotman 1999, 30). با این روند، جریان‌های حاشیه‌ای به مرور به یک پدیده مرکزی تبدیل شده و قواعد خود را به عصر و زمان خود و ویژگی‌های خود را به سپهر نشانه‌ای تحمیل می‌کنند (Moein 2010, 197). یاکوبسن سه نوع تعامل بین فرهنگی را مطابق شکل ۱ طبقه‌بندی می‌کند.

شکل ۱: انواع تعاملات بین‌فرهنگی و ویژگی‌های آن بر مبنای دیدگاه یاکوبسن

Figure 1: Types of intercultural interactions and their characteristics based on Jakobson's opinion



خودی کردن و یا بخش‌هایی از دیگری را به درون فرهنگ خودی پذیرفتن، به «تولید، تبادل و ذخیره اطلاعات» کمک می‌کند؛ از سوی دیگر از طریق «فرآیند طرد»، یعنی بخش‌هایی از دیگری را در بیرون از فرهنگ خودی نگاه داشتن، مرزهای بین متن [درون معماری] و نامتن [بیرون معماری] را حفظ کرده و نقش اعتقادی متن را در حفظ هویت خودی در برابر دیگری قوام می‌بخشد (Sojoodi 2009, 152).

۷-۲- نشان‌داری^۵ - قابلیت‌های معناساز

شرط هر کنش ارتباطی یا تعامل، وجود یک خود و یک دیگری است و «تمایز» میان خود و دیگری سازوکار ارتباطات را فعال می‌کند. از سوی دیگر وقتی خود و دیگری برای تاکید بر هویت تعامل می‌کنند، به واسطه کاربرد رمزگان مشترک در این تعامل، «تشابه» نیز امکان‌پذیر می‌شود. رمزگان فرهنگی، نظام‌های نشانه‌ای و تعامل این دو، فقط از طریق فرآیند مستمر «تمایز و تشابه»، تعامل بین‌فرهنگی را به تجربه‌ای معنادار تبدیل می‌کنند (Ibid, 141). تقابل‌ها و تمایزها، که به واسطه روابط ساختاری معنادار می‌شوند (Culler 1975, 14)، با دو نوع ارتباط شکل می‌گیرند: «همنشینی»^۶ و «جانشینی»^۷؛ این ارتباطات، زیرمجموعه مناسبات «هم‌زمانی» (ساختار مکان در یک زمان) هستند که به همراه مناسبات «درزمانی» (تغییرات مکان در طی زمان)، به «مطالعات زمانی نظام‌های نشانه‌ای» می‌پردازند. ارتباطات همنشینی به روابط درون‌متنی و دال‌های دیگری

– تعامل بین فرهنگی - فرآیند جذب و طرد

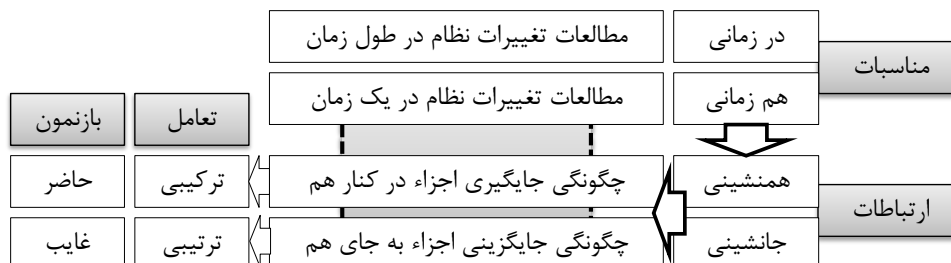
هویت فرهنگی بر خلاف هویت ملی، هیچ مرز قطعی فیزیکی ندارد، بلکه یک مفهوم نسبی و سلسله‌مراتبی است و با تعامل بین‌فرهنگی تعریف می‌شود. در معماری نیز به‌مثابه متنی چندنظامه، که بیش‌ترین میزان تعامل بین‌فرهنگی را در فضای نشانه‌ای خود با عملکرد حواس مختلف و جانشینی نشانه‌شناختی لایه‌های گوناگون دارد؛ ادراک این تعامل بین فرهنگی یا حرکت از یک سپهر به سپهر نشانه‌ای دیگر، همواره نسبی و سلسله‌مراتبی می‌باشد. این تعاملات موجب پویایی فرهنگی‌اند و تعامل سازوکار اصلی این گونه از ارتباطات است. در حوزه مورد مطالعه این پژوهش، یعنی معماری و قلمروهای آن، مفهوم «تعامل» جایگزین «ترجمه» می‌شود؛ این تعامل، تجربه‌ها را به هم و معناها را به مجموعه معانی ممکن پیوند می‌زند؛ تبدیل تجربه‌ها به فرم‌ها با انتقال تصاویر ذهنی به نظام‌های نشانه‌ای، یکی از ویژگی‌های اصلی انگیزه انسان برای تولید معنا است و چگونگی این تبدیل‌ها در فرآیند اجتماعی شدن در فرهنگ هر جامعه آموخته می‌شوند. برای یافتن جایگاه نشانه‌شناسی فرهنگی در مقوله تعامل، آشنایی اجمالی با دوگانه نشانه‌شناسی فرهنگی «مکتب تارتو» یعنی جذب و طرد و ارتباط آن با اعضاء سپهر نشانه‌ای لوتمان ضروری به نظر می‌رسد. بر اساس این دوگانه‌ها، فرهنگ نه یک هستی ایستا، بلکه یک فرایند است و سازوکار محرک آن در حاشیه قرار گرفته و تعامل نام دارد. این تعامل با «فرآیند جذب»، یعنی درونی و

در متن غایب‌اند ارجاع پیدا کرده (Saussure 1999, 122) و به تحلیل چگونگی جایگزینی عناصر به جای هم اشاره دارند (شکل ۲).

که در متن حاضرند مربوط بوده و به تحلیل چگونگی قرار گرفتن عناصر در کنار هم می‌پردازند؛ اما ارتباطات جانشینی به روابط بینامتنی یا بینافرهنگی و دال‌هایی که

شکل ۲: تعاریف مناسبات در زمانی و هم‌زمانی در ارتباط با نشانه‌های زمانی

Figure 2: Definitions of diachronic and synchronic relations in relation to temporal signs



(Shahpasandzadeh 2022)

ویژگی مانند یک مرکزیت سازمان‌دهنده، سبب می‌گردد تا واحدی نسبت به واحد نشانه‌ای دیگر نشان‌دار شود.

- نشان‌داری سلسله‌مراتبی

تقابل‌های دوگانه در واحدهای نشانه‌ای، نه متقارن که به صورت پیوستاری (سلسله‌مراتبی) هستند (Chandler 2007, 97)؛ رابطه نشان‌داری به گونه‌ای سلسله‌مراتبی از بی‌نشان‌ترین سطح، تا سطوح میانی نشان‌داری ادامه می‌یابد (Sojoodi 2009, 210). وجه بی‌نشان اغلب به عنوان وجهی عام (جهانی) و وجه نشان‌دار در مفهومی خاص‌تر (فرهنگی) به کار می‌رود (Chandler 200, 94). به بیانی دیگر، در فرآیند تعامل فرهنگی یا انتقال تصاویر ذهنی به نظام‌های نشانه‌ای به مثابه امری بینافرهنگی، می‌توان کارکرد نشانه را در سلسله‌مراتبی در نظر گرفت که در یک سر طیف، عناصر به لحاظ جهانی بی‌نشان و در سر دیگر طیف، به لحاظ فرهنگی نشان‌دار هستند (Sojoodi 2010, 80).

۸. یافته‌های تحقیق

فرهنگ‌ها تعمیم‌دهنده اشکال رفتاری بوده و در شکل‌گیری قلمروهای مکانی تاثیرگذارند (Hall 1997, 165). مفهوم قلمرو متعلق به مطالعه روابط انسان و محیط بوده و با تاثیر بر شکل‌گیری مولفه‌های مکان، در ساختار «فرم» محیط، الگوهای «کارکرد» افراد و «مفهوم»‌هایی که افراد از محیط زندگی ادراک می‌کنند، نمود می‌یابد. نمود مفهوم قلمرو در سه حوزه فرمی، کارکردی و مفهومی متناظر با مولفه‌های مکان (کالبد، فعالیت و تصورات) قابل بررسی است؛ حوزه فرمی تبیین‌کننده ساختار قلمرو در هر یک از گونه‌ها بوده، حوزه کارکردی، استخراج معیارهای رفتاری و واکنش ادراکی آن را میسر می‌کند و حوزه معنایی، در قابلیت ذهنی تصورات مخاطب بر اساس تطبیق نشانه‌شناسی فرهنگی با دو بُعد کالبد و کارکرد قابل بررسی می‌باشد.

تحلیل روابط جانشینی شامل تحلیل قیاسی و نشانگر معنای آثار است. این تحلیل، برای تعیین ارزش یک مفهوم مانند قلمروهای مکانی، به شیوه‌های مختلف عمل می‌کند که یکی از آن‌ها که با موضوع این تحقیق قرابت دارد، مقوله «تقابل‌های نشان‌داری» است. این تقابل‌ها که در روابط قیاسی نقش کاربردی «دسته‌بندی» را دارند، در ترکیب با دیگر تقابل‌ها و ترتیب میان آن‌ها اهمیت می‌یابند. در نظریه «نشان‌داری» که مبدع آن «رومن یاکوپسن» است، در هر جزء از یک نظام نشانه‌ای، حضور یک ویژگی (نشان‌داری) در مقابل غیاب‌اش (بی‌نشانی) (Chandler 2007, 93) بررسی می‌شود. «نشان‌های متقابل»، شامل یک فرم «بی‌نشان» و یک فرم «نشان‌دار» بوده و این موضوع در هر دو سطح دال یعنی کالبد معماری و مدلول یعنی معنای معماری تحلیل می‌شود. بی‌نشان، بنیادی (اصلی) و نشان‌دار، که در ارتباط با بی‌نشان دریافت می‌شود، وابسته و مشتق از بی‌نشان در نظر گرفته می‌شود (Culler 1985, 112). در واقع، فرم بی‌نشان غالب است، در نتیجه عادی و طبیعی به نظر می‌آید و انحراف از فرم بی‌نشان، باعث برجستگی و هویت‌یابی آن می‌شود. «میزان نشان‌داری» هر نظام نشانه‌ای مانند مکان، بستگی به چارچوب‌های زمینه‌ای، قراردادهای اجتماعی-فرهنگی یا همان رمزگان دارد. علاوه بر این، «معیار نشان‌داری» دال با ویژگی‌های کالبدی و عملکردی ارتباط دارد و شامل گونه‌های نشان‌داری یا بی‌نشانی مفاهیم واحدهای نشانه‌ای نسبت به یکدیگر هستند که از دو جنبه نشان‌دار فرمی و نشان‌دار سلسله‌مراتبی قابل بررسی می‌باشند.

- نشان‌داری فرمی^۸

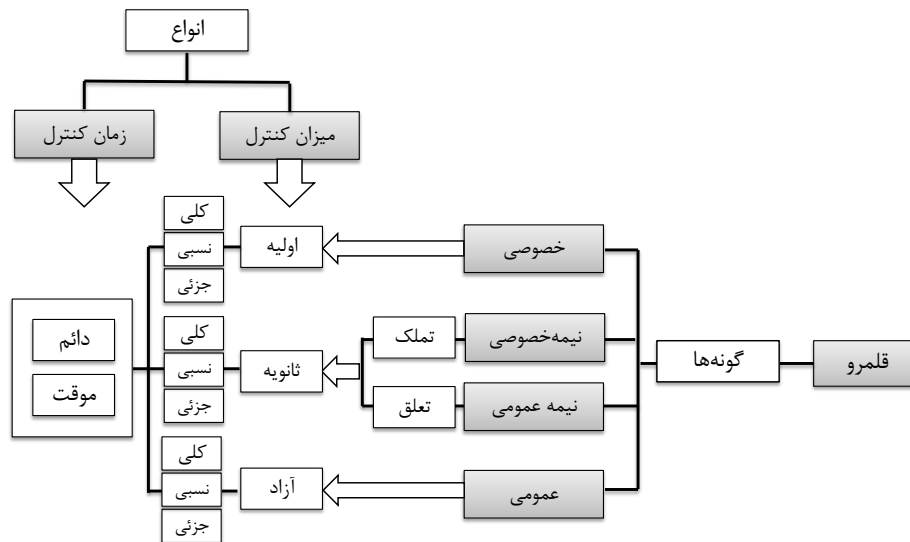
معیارهای نشان‌داری فرمی به تبع روابط جانشینی، وابسته به حضور یا غیاب بعضی از ویژگی‌های فرمی است. دال نشان‌دار با افزودن یک ویژگی مشخص، از دال بی‌نشان متمایز می‌شود؛ به عنوان مثال در معماری، فرم نشان‌دار «حیات مرکزی»، با افزودن یک ویژگی وضعیتی به دال بی‌نشان «حیات» به‌وجود آمده است؛ در واقع حضور یک

۸-۱- فرهنگ و قلمرو مکانی

عوامل کالبدی، کارکردی، اجتماعی و ادراکی تاثیر دارند (Einiifar and Aghalatifi 2011, 20). دسته‌بندی قلمروها بر اساس دو معیار صورت است: معیار فرهنگی مرتبط با تسلسل فضایی که موجب دسته‌بندی «گونه‌های قلمرو» است و معیار زمانی مرتبط با توالی فضایی که به تعریف «انواع» قلمرو می‌انجامد. گونه‌های قلمرو مکانی عبارتند از طیف خصوصی، نیمه‌خصوصی، نیمه‌عمومی و عمومی و انواع آن بر اساس «میزان کنترل» به سه نوع «اولیه، ثانویه و آزاد» (Altman 2003) و بر اساس «زمان کنترل» به دو نوع «دائم و موقت» (Lang 2002) قابل دسته‌بندی است (شکل ۳).

قلمرو مکانی، فضایی محدود و محصور شده است که افراد از آن به عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می‌کنند و این قلمروها در بردارنده احساس یگانگی روانی با مکان هستند. قلمرو با یک مکان، هویت روان‌شناختی (تعلق) می‌یابد و با احساس مالکیت (تملک) و ترکیب کالبدی، به صورت نماد (وجه قراردادی نشانه) در می‌آید (Lang 2002, 169). از جانب دیگر، مفهوم قلمرو نه تنها یک موضوع فضایی، بلکه یک پدیده اجتماعی- فرهنگی نیز هست (Lawson 2001, 168). عوامل شکل‌دهنده به قلمرو عبارتند از عوامل فرهنگی که به صورت یک بستر بر دیگر

شکل ۳: انواع و گونه‌های عرصه‌ها در قلمرو مکانی بر اساس دیدگاه آلتمن و لنگ
Figure 3: Species and Types of spatial territory based on Altman and Lang opinion



یا فضای نشانه‌ای، از یک سو به واسطه تنوع اعضاء تشکیل‌دهنده‌اش یعنی رموزگان، نظام‌های نشانه‌ای مکان و واحدهای نشانه‌ای با مولفه‌های مکان مرتبط بوده و از دیگر سو، تفاوت کارکردهای آن‌ها با زیررمزگان مانند خلوت، انعطاف‌پذیری و قلمرو فضایی نظام یافته است؛ شکل ۴، معرف هم‌ترازی گونه‌های نشانه‌شناختی فرهنگی با معماری است. قلمروهای نظام نشانه‌ای مکان در قالب زیررمزگان، به واسطه مفهوم رموزگان فرهنگی حریم با گونه‌های عرصه خصوصی تا عمومی شناخته می‌شوند. این زیررمزگان با نسبت‌هایی متغیر با یکدیگر ارتباط دارند؛ مثال این نسبت‌ها، تغییرات عرصه‌بندی فضاهای معماری از یک فضای خصوصی تا نیمه‌خصوصی به نسبت موقعیت فضا با فضاهای قبل یا بعد است؛ به‌طوری که یک فضای خصوصی ممکن است در نسبت با فضای بعدی، فضایی نیمه‌خصوصی تلقی گردد و بالعکس. ارتباطات مذکور، به نحوی است که مولفه‌های مکان یا واحدهای نشانه‌ای به شکل «هم‌زمانی» با مولفه‌های حاضر در یک مقطع زمانی و به شکل «درزمانی» با مولفه‌هایی غایب در مقاطع

مفهوم قلمرو با تعریف نظام‌مند عرصه‌ها، سلسله‌مراتب آن‌ها و اعطاء هویت فردی یا جمعی به انسان، امکان انتظام فضا را فراهم کرده و موجب تسهیل روابط اجتماعی و تثبیت نظام فرهنگی به واسطه تعامل بین عرصه‌های نیمه‌خصوصی و نیمه‌عمومی مکان می‌شود. دلیل این ویژگی هویتی در قلمرو این است که اشراف بر محدوده فیزیکی و نظارت بر مرزبندی فرهنگی، موجب دستیابی به تعریف عینی از فرد یا اجتماع می‌شود. در واقع، مفهوم قلمرو شامل قابلیت نظام‌های کالبدی و ارزش‌های نظام ادراکی یا معنا می‌شود که بر این اساس، ارتباط قابلیت-معنا، میان مکان و فرهنگ سازگاری بوجود می‌آورد. این قابلیت بر تعیین مرز و تفکیک فضاهای مکان (درون از بیرون) موثر است و معرف کارکرد ارتباطی کالبد مکان بوده و موجب خوانایی و در نتیجه کسب هویت انسانی و مکانی آن خواهد شد.

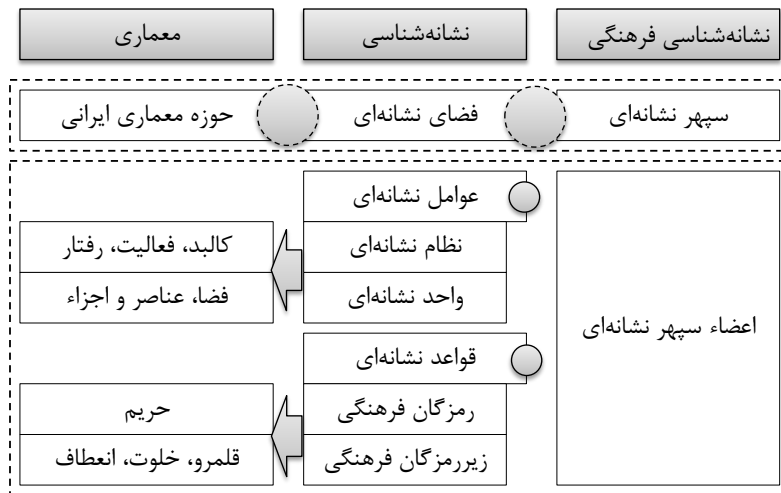
۸-۲- نشانه‌شناسی فرهنگی و قلمرو مکانی

مکان درحوزه مسکن سنتی ایران به مثابه یک سپهر

مختلف زمانی ارتباط داشته و بدین‌گونه، «معنا» در ارتباط هم‌زمانی و در زمانی بین همه «واحدها و نظام‌های

شکل ۴: هم‌ترازی گونه‌های نشانه‌شناسانه فرهنگی با معماری و مکان

Figure 4: Alignment of cultural semiotic types with architecture and place

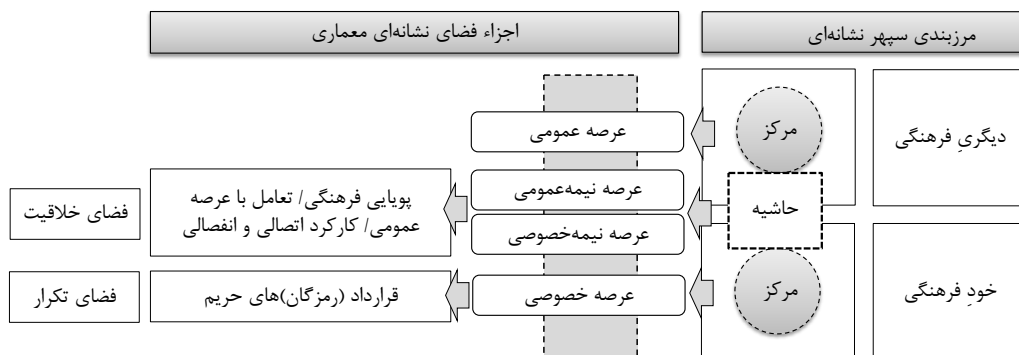


به عنوان مثال؛ معنای یک عرصه (مثلاً نیمه‌خصوصی)، در مولفه «فعالیت» مکان به عنوان یک واحد نشانه‌ای و در زیررمزگان انعطاف‌پذیری فضا، هم با «فعالیت‌های آنی» این فضا به صورت هم‌زمانی و هم با «فعالیت‌های آتی» آن، به صورت در زمانی تثبیت شده و یا تغییر می‌یابد. دیگری فرهنگی در بیرون و در میان این دو، به صورت عرصه‌های تعاملی نیمه‌خصوصی و نیمه‌عمومی، به صورت حاشیه دیده می‌شوند. در مرکز فضای نشانه‌ای مسکن سنتی ایران، قراردادهای یا رمزگان فرهنگی وابسته به حریم، عرصه خصوصی یا خود فرهنگی را مشخص می‌نماید؛ این مرکز سازمان‌دهنده، مشتمل بر قواعد هنجاری فرهنگ از قبیل

احترام، امنیت، باورها و غیره است. در تقابل با مرکز عرصه خصوصی، عرصه‌های حاشیه‌ای یا میانی نیمه‌خصوصی و نیمه‌عمومی، دائماً با عرصه عمومی در تعامل هستند که به واسطه ویژگی‌های نشانه‌ای خود موجب پویایی میان عرصه‌ها می‌شوند. این فضاها، عامل جدایی و فاصله میان فضاهای نشانه‌ای گوناگون بوده و با کارکرد دوگانه خود، باعث انفصال عرصه خصوصی از عرصه عمومی و در عین حال سبب اتصال آن‌ها می‌شوند. شکل ۵، هم‌ترازی مرزبندی‌های سپهر نشانه‌ای با زیررمزگان‌های قلمرو مکانی را در عرصه‌بندی فضای نشانه‌ای معماری می‌دهد.

شکل ۵: هم‌ترازی مرزبندی‌های سپهر نشانه‌ای با زیررمزگان‌های قلمرو در فضای نشانه‌ای معماری

Figure 5: Alignment of semiosphere boundaries with territory sub-codes within the architectural semiotic space



در این تعاملات، تولید مفاهیم با انتقال تصاویر ذهنی به نظام‌های نشانه‌ای مکان، در تطابق با قراردادهای فرهنگی-اجتماعی آموخته و در قالب رمزگان فرهنگی حریم، درونی می‌شوند. رمزگان فرهنگی حریم بنابر هنجارهای

فضای نشانه‌ای مسکن سنتی ایران مانند اعتقادات، از یک سو، پیوسته برای تعریف عرصه خصوصی، مرز و حدودی را تعیین می‌کنند تا به واسطه تقابل یا تمایز عرصه خصوصی با عمومی، هویت و ارزش‌های فضای درون را

عرصه‌ای، دربرگیرنده تقابل‌هایی می‌باشند. این روابط معنایی، با تحلیل قیاسی میان عناصر معماری، حاوی تقابل‌های دوگانه نشان‌داری می‌باشند که در تحلیل قلمروهای مکانی کارایی دارند؛ هر مولفه از نظام نشانه‌ای مکان، علاوه بر تقابل (عرصه خصوصی - عمومی)، با تقابل‌های «بی‌نشان» (غیاب یک ویژگی) و «نشان‌دار» (حضور یک ویژگی) عرصه‌ها شکل می‌گیرد. فرم بی‌نشان، بنیادین است و تغییر در آن، موجب برجستگی‌اش می‌شود؛ مثلاً واژه فضا «بی‌نشان» و دارای کاربرد عام است و چنانچه گونه‌ای قلمرو برای آن تعیین شود، «نشان‌دار» شده و در نتیجه هویتی فرهنگی می‌یابد. میزان نشان‌داری گونه‌های قلمرو، به چارچوب‌های تعیین‌شده توسط رمزگان فرهنگی حریم یا قراردادهای اجتماعی - فرهنگی وابسته است. به‌علاوه، معیار نشان‌داری مفهوم قلمروهای مکانی با ویژگی‌های مولفه‌های کالبد و فعالیت در مکان ارتباط دارند که با جنبه‌های زیر بررسی می‌شوند:

- نشان‌داری کالبدی

نشان‌داری قلمروهای مکانی، وابسته به حضور یا غیاب بعضی از ویژگی‌های کالبدی است. کالبد نشان‌دار با افزودن ویژگی مشخص، از کالبد بی‌نشان متمایز می‌شود. در واقع حضور یک ویژگی مانند عرصه خصوصی/عمومی، باعث می‌شود تا مولفه‌های واحد نشانه‌ای یعنی فضاها، عناصر یا اجزاء، نسبت به واحد نشانه‌ای دیگر دارای هویت یا نشان‌دار شود. مثلاً مفهوم مولفه‌ی واحد فضا نسبت به عرصه آن، بی‌نشان است. یعنی هم می‌تواند (+ خصوصی) باشد و هم (- خصوصی)؛ در حالی که فضای عمومی از نشان (- خصوصی) برخوردار است، فضای خصوصی از نشان (+ خصوصی) بهره می‌گیرد. این نشان یا مولفه معنایی از طریق ویژگی مفهوم عرصه خصوصی یا عمومی به واحد فضا افزوده می‌شود و این‌گونه فضای خصوصی نسبت به فضا، نشان‌دار می‌شود.

- نشان‌داری سلسله‌مراتبی

تقابل‌های دوگانه‌ی عرصه‌های یک قلمرو در نظام نشانه‌ای مکان، به صورت سلسله‌مراتب جانشینی از بی‌نشان‌ترین سطح مانند عرصه عمومی، تا سطوح میانی نشان‌داری مانند عرصه نیمه‌خصوصی است. در فرآیند بین عرصه‌ای تعامل، می‌توان کارکرد نشانه را با سلسله‌مراتبی دید که در یک سوی آن، قلمروهای مکانی به لحاظ عرصه عمومی یا دیگری فرهنگی بی‌نشان و در سوی دیگر، به لحاظ عرصه خصوصی یا خود فرهنگی نشان‌دار هستند و به دو دسته قلمرو بی‌نشان عمومی و نشان‌دار خصوصی دسته‌بندی می‌شوند.

- فرهنگ، قلمرو مکانی و نشان‌داری آن

فرهنگ دستگاه پویایی از روابط متقابل میان نظام‌های نشانه‌ای مکان و رمزگان و همچنین حاصل مانایی و خوانایی تجربه‌هاست، زیرا محیط اطراف ما از طریق یک فرآیند مستمر دگرگونی، تغییر می‌کند، تاریخی شده و این محیط تاریخی‌شده‌ی پویا، فرهنگ نامیده می‌شود

تثبیت کنند. از سوی دیگر، این عرصه به واسطه آمیختن رمزگان حریم با رمزگان‌های فرهنگی دیگر مانند تعاملات اجتماعی، هویت جمعی، خلوت جمعی و غیره، در تعامل با عرصه عمومی است تا به این ترتیب این عرصه را به کار گیرد. عرصه‌های حاشیه‌ای نیمه‌خصوصی و نیمه‌عمومی، که درآمیختن رمزگان‌های فرهنگی فردی و جمعی با یکدیگر، فضای تعامل بین عرصه‌ای مثلاً میان دو عرصه خصوصی و عمومی، به‌شمار می‌آیند، در معماری معاصر ایران روندی را ایجاد کرده‌اند که به مرور زمان، جریان‌های عرصه‌های حاشیه‌ای را به یک پدیده مرکزی تبدیل کرده، قواعد و ویژگی‌های خود را به زمان و فضای نشانه‌ای مسکن سنتی ایران تحمیل کرده‌اند؛ مثلاً، تداخل میان رمزگان حریم‌ها و عرصه‌بندی‌های خصوصی و عمومی، به واسطه تغییر و تحولات مسکن به گونه آپارتمانی در ویژگی «ورودی واحدها، ارتباط بی‌واسطه فضاهای داخلی، عدم مرزگذاری میان واحدهای مجاور و غیره» نمونه‌ای از این تحمیل قواعد است؛ از این رو علی‌رغم تقابل‌های دوگانه عرصه‌ها (خصوصی - عمومی)، که از کارکردهای اعتقادی و هنجاری رمزگان فرهنگی حریم است، همواره زمینه‌های تعامل میان گونه‌های قلمرو در عرصه خصوصی و عمومی در فرهنگ معماری ما وجود داشته است. تعامل بین عرصه‌های هر قلمرو، با «فرآیند جذب» یعنی درونی و خودی کردن و به عبارتی بخش‌هایی از عرصه عمومی را به درون عرصه خصوصی پذیرفتن، در «تبادل و تولید معانی و غنای گنجینه ادراکی و تصاویر ذهنی» موثرند. از سوی دیگر از طریق «فرآیند طرد» و بخش‌هایی از عرصه عمومی را در بیرون از عرصه خصوصی نگاه داشتن، مرزهای قلمرو میان درون و بیرون را حفظ کرده و نقش اعتقادی و باورهای فرهنگی حریم را در حفظ هویت عرصه خصوصی در برابر عمومی پررنگ می‌کنند.

رمزگان فرهنگی حریم، نظام‌های نشانه‌ای مکان و تعامل میان واحدهای آن یعنی کالبد، فعالیت و تصورات را در کنش ارتباطی بینا‌عرصه‌ای و از طریق فرآیند تمایز و تشابه زیررمزگان آن‌ها «معنادار» می‌کنند. در رویکرد تعاملی، تقابل عرصه خصوصی و عمومی در عین حفظ تمایز، محصول پیوند با یکدیگر به‌واسطه تشابه در عرصه‌های حاشیه‌ای هستند، کنش‌های ارتباطی در «فضای نشانه‌ای مسکن سنتی ایران»، به واسطه وجود یک عرصه خصوصی و یک عرصه عمومی، با تمایز میان دو عرصه فعال می‌شوند. از جانب دیگر وقتی عرصه خصوصی و عمومی به قصد تاکید بر هویت، وارد کنش ارتباطی می‌شوند، می‌بایست از گونه‌های زیررمزگان مشترک قلمرو در عرصه‌های حاشیه‌ای نیمه‌خصوصی و نیمه‌عمومی استفاده شود و بدین گونه تشابه، میان عرصه نیمه‌خصوصی به خصوصی و عرصه نیمه‌عمومی به عمومی، حاصل می‌شود.

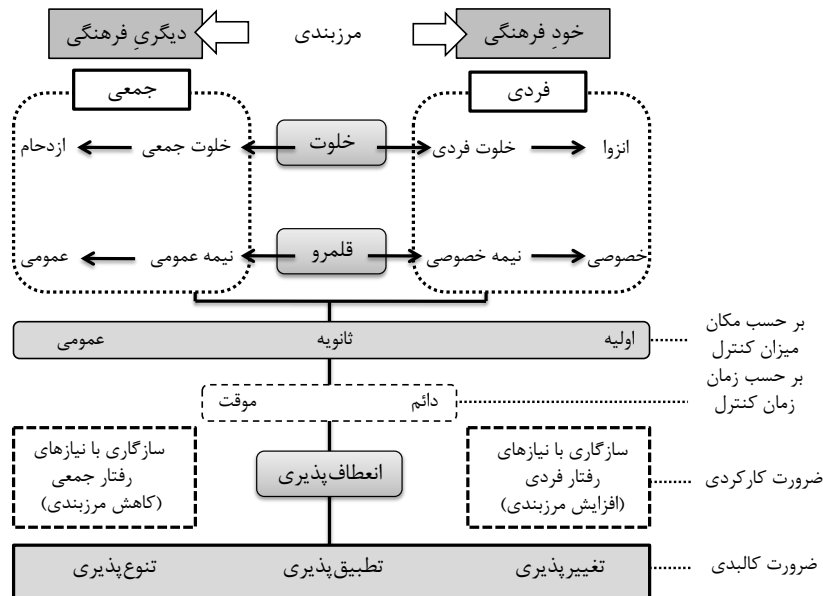
تمایز در «کالبد مکان» معماری باعث شکل‌گیری اجزاء و روابط نشانه‌ها و بنا بر دیدگاه سوسور، موجب شکل‌گیری «معنا» می‌شوند. تمایزهای سازنده معنا در کالبد، با روابط جانشینی مشخص می‌شوند که مانند روابط بین

بر اساس مفاهیم زیررمزگان فرهنگی قلمروها عمل کرده و از طریق ارتباط با دیگر زیررمزگان‌های فرهنگی متاثر از رمزگان حریم، مانند خلوت، انعطاف‌پذیری و غیره، وارد شبکه دلالت و معناسازی می‌شود (شکل ۶).

(Johanson and Larsen 2002, 4). فرهنگ، سپهرهای نشانه‌ای متعددی را در بر می‌گیرد، و شامل فضاهایی است که رمزگان حریم و زیررمزگان‌های فرهنگی در آن‌ها بر مبنای مرزبندی فضایی برقرارند. مکان یا یک نظام نشانه‌ای،

شکل ۶: روابط همبستگی زیررمزگان‌های حریم با یکدیگر در نظام نشانه‌ای مکان

Figure 6: Correlation relationships among boundary sub-codes within the place semiotic system



میان نشان‌داری و بی‌نشانی است. از منظر عرصه نشان‌دار خصوصی (درونی‌ها)، عرصه‌ی درون واجد ساختار بوده و از واحدهای نشانه‌ای یا مولفه‌های مکان، پیرامون شبکه‌ای از تقابل‌های مرزبندی‌شده‌ی دوگانه شکل می‌گیرد؛ عرصه نشان‌دار خصوصی (درون) منظم، آشنا و عرصه بی‌نشان عمومی (بیرون) فاقد ساختار، بی‌نظم و غریبه است (جدول ۱).

نظام نشانه‌ای مکان، زمانی خوانش‌پذیر می‌شود که وارد این شبکه‌های دلالت فرهنگی شود. شکل‌گیری مکان با شکل‌گیری رمزگان فرهنگی حریم، که به مکان و روابط مکانی معنا می‌دهد، در تعامل دوسویه بوده و این رمزگان با زیررمزگان‌های آن، محرک سازوکار تقابل‌ها در قلمرو مکانی هستند. لذا، نظام نشانه‌ای مکان در حکم ساختاری از روابط تقابل‌های سازنده قلمروها یعنی تقابل

جدول ۱: جایگاه رمزگان و زیررمزگان فرهنگی در هویت مکان

Table 1: The role of cultural codes and sub-codes in place identity

رمزگان فرهنگی	زیررمزگان فرهنگی عرصه‌ها	محدوده نشانه‌ای	هویت (مولفه معنایی)
حریم اجتماعی زیبایی	منطقی	خصوصی	نشان‌داری درون با عرصه خصوصی
	منطقه‌ای	نیمه‌خصوصی	حاشیه نزدیک
	عمومی	حاشیه دور	بی‌نشانی بیرون با عرصه عمومی
	عمومی	بیرون (دیگری)	بی‌نشانی بیرون با عرصه عمومی

عمومی (خودی و دیگری) مفاهیم ثابت و قطعی نیستند و به واسطه حاشیه‌های عرصه نیمه‌خصوصی و نیمه‌عمومی انعطاف‌پذیرند. عرصه خصوصی و عمومی به مثابه درون و بیرون، مفاهیمی نسبی و سلسله‌مراتبی‌اند که در آن هر بافت، مرکزی دارد که جایگاه آن و نه ذات مرکزیت، نیز قطعی نیست و بسته به بافت از مکانی به مکان دیگر

در قلمرو مکانی، عرصه خصوصی یا خودی در تقابل و تعامل با عرصه عمومی یا دیگری، به واسطه تمایزها و تشابه‌ها معنا می‌یابد؛ این سازوکار «تمایزی-تشابهی» فقط در سطح آفرینش تمایز بین عرصه خصوصی و عمومی عمل نمی‌کند، بلکه به واسطه موقعیت رمزگان فرهنگی حریم تغییر می‌نماید، یعنی عرصه خصوصی و

تعیین حریم توسط نشانه‌ها، به وسیله گسترش قراردادهای مشترک، تامین سلسله‌مراتب دسترسی و افزایش قابلیت نظارت انجام می‌شود و می‌تواند منجر به تامین امنیت و تداوم فعالیت مکان گردد. مفهوم سلسله‌مراتب و نسبت مفاهیم متقابل در نشان‌داری سلسله‌مراتبی، از خصوصی تا عمومی، با معیار تعیین انتظام، ارتباط و انسجام نظام‌های نشانه‌ای، موجب تعریف جایگاه و ارزش جزء و کل نظام شده و موجب تثبیت هویت نظام‌های نشانه‌ای مکان می‌شود. به واسطه فرهنگ، مکان با سلسله‌مراتب زیرمکان‌های فرهنگی مانند قلمرو مکانی، نشان‌دار می‌شود و این فرآیند نشان‌داری، بخش مهمی از فرآیند تثبیت یا تعامل عرصه نشان‌دار خصوصی در مقابل عرصه بی‌نشان عمومی یا خود در برابر دیگری است (جدول ۲).

تغییر کرده و متعاقباً مخاطب نیز با سطوح متفاوتی از آن ساختار، هویت و معنا می‌یابد (Ibid, 82) مانند تغییر جایگاه عرصه‌ها و به تبع آن احراز هویت، از خانه به محله و غیره تا سرزمین. در این هویت‌یابی، میان مخاطب و مکان رابطه «نشانی دوسویه» برقرار است که موجب فرآیند هویت‌یابی انسانی و مکانی می‌شود؛ یعنی گاه مخاطب با قلمرو مکانی «هویت» و گاه قلمرو مکانی به واسطه مخاطب «شخصیت» پیدا می‌کند؛ بدین‌گونه، نظام نشانه‌ای مکان وارد شبکه تمایزی دلالت فرهنگ در محور جانشینی می‌شود. در این راستا، رفتار قلمروپایی نیز، سازوکار نیست برای تنظیم حریم بین عرصه خصوصی و عمومی که بر پایه کاربرد نشانه‌ها در محدوده‌های مختلف محیط بر اساس عوامل فرهنگی- اجتماعی شکل می‌گیرد (Mortazavi 2001, 39).

جدول ۲: تقابل دوگانه گونه‌ها و انواع قلمرو مکان و تاثیر آن بر سلسله‌مراتب نشان‌داری

Table 2: The dichotomy of types and Species of spatial territory and its impact on the markedness hierarchy

گونه‌های قلمرو	انواع قلمرو		تقابل دوگانه	رمزگشایی	مقیاس قلمرو	سلسله مراتب قلمرو
	(تسلسل فضایی)	(توالی فضایی)				
خصوصی	اولیه	دائم	خود (درون)	خاص	خرد	نشان‌دار خاص
نیمه‌خصوصی	ثانویه	تعاملی	حاشیه	مشترک	میانی	انفصال خود از دیگری
نیمه‌عمومی	ثانویه	تعاملی	حاشیه	مشترک	میانی	اتصال خود به دیگری
عمومی	آزاد	موقت	دیگری (بیرون)	عام	کلان	بی‌نشان عام

۹. نتیجه‌گیری

قلمرو (گونه‌ها و انواع) و تبیین روابط میان آن اجزاء در کلیتی به نام رمزگان فرهنگی حریم می‌پردازد؛ رمزگانی که در یک رابطه سلسله‌مراتبی، با فضای نشانه‌ای حوزه مسکن سنتی، در ارتباط با نظام‌های نشانه‌ای (مکان و مولفه‌هایش) و شکل‌دهنده به معنای این نظام‌ها تعریف می‌شوند.

شناسایی هم‌ترازی تقابل‌های عرصه خصوصی- عمومی با تقابل‌های خود (درون)- دیگری (بیرون)، مبانی قابل اتکائی برای تحلیل ساختار مفهومی قلمروها، با عنایت به چگونگی نشان‌داری عرصه خصوصی در تقابل با بی‌نشانی عرصه عمومی است. همچنین شناخت تقابل‌های درونی مفهوم خود، یعنی مرکز- حاشیه، و به ویژه حاشیه، حاوی ویژگی‌هایی است که در تطابق با عرصه‌های میانی نیمه‌خصوصی و نیمه‌عمومی و تعاملات آن‌ها میان مرکز عرصه خصوصی و عمومی، در تحلیل مکان‌های حاوی قلمرو راهگشاست. این تعاملات بین‌عرصه‌ای با فرآیند جذب- طرد و سازوکار تمایز- تشابه، در فضاهای تعاملی عرصه‌های میانی به مثابه حاشیه‌ها در یک فضای نشانه‌ای، عاملی برای اتصال یا انفصال عرصه‌های مجاور به مرکز عرصه خصوصی به‌شمار می‌آیند. این عرصه‌های پویای میانی، در وصل و فصل میان عرصه‌های درون و بیرون

مکان به‌مثابه نظامی نشانه‌ای، بازتابی از قراردادهای فرهنگی- اجتماعی به عنوان رمزگان فرهنگی است. در این میان رمزگان فرهنگی حریم در معماری، که کهن الگوی ساختن در تمام جوامع بوده، حاوی زیرمکان یا مفاهیم سازنده از قبیل خلوت، انعطاف‌پذیری و «قلمروهای مکانی» است که در حوزه مسکن سنتی ایران به وفور قابل ردیابی می‌باشند. نشان‌داری یا هویت در قلمروهای مکانی، به واسطه گونه‌بندی چهارگانه‌ی عرصه‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها با انواع قلمرو، یعنی میزان و زمان کنترل، شکل می‌گیرد. بانی عدم تشکیل مکان و احراز هویت در فضاهای معماری مسکن معاصر، عدم حضور یا حذف برخی عرصه‌ها، بی‌توجهی به تعاملات بین‌عرصه‌ای، نبود توالی و تسلسل در عرصه‌های موجود و در یک کلام، عدم شکل‌گیری و نشان‌داری قلمروهای مکانی می‌باشد. از این رو، نشان‌داری یا هویت‌یابی با زیر رمزگان قلمروهای مکانی، نیازمند الگوهایی با رویکردی ساختاری- تحلیلی بوده و این قلمروها با عرصه‌بندی‌های متقابل، حوزه مفهومی قابل اعتنایی برای مفاهیم مرزبندی تقابلی در رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی به حساب می‌آیند. این رویکرد با قابلیت الگودهی، به تشخیص اجزاء

آن می‌شوند؛ لذا هر مکان در مسکن سنتی ایران، با یک قلمرو، می‌تواند به واسطه مفهوم عرصه، نشان‌دار یا بی‌نشان و یا به عبارتی خصوصی یا عمومی جلوه کند. از این رو، می‌توان عرصه‌های تقابلی را در نشان‌داری قلمروهای مکانی، با ویژگی‌های زیر تحلیل کرد:

- مرز مشترک (حاشیه) عرصه‌های مختلف (درون- بیرون) بر تعیین اندازه نسبی (سلسله‌مراتبی) عرصه‌ها موثر است.

- پیوستگی عرصه‌ها به واسطه سلسله‌مراتب میان عرصه‌ها و تحت تاثیر روابط متقابل (درون- بیرون) حفظ می‌شود.

با ایجاد شرایط مطلوب کالبدی توسط محدودیت‌های فیزیکی، روانی و فرهنگی، انتقال و تعامل از عرصه‌ای به عرصه دیگر می‌بایست به صورت تدریجی (توالی و تسلسل فضایی) و با عدم تداخل عرصه‌ها صورت پذیرد؛ به گونه‌ای که ارزش متفاوت عرصه‌ها، ویژگی متفاوت مکان‌ها یا هویت آن‌ها را در پی داشته باشد. شناخت چیستی و چگونگی کاربرد رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی، در تبیین و تحلیل نظام‌مند عرصه‌های تقابلی و در یک کلام، تدوین قلمروهای مکانی، باعث شکل‌گیری هویت مکانی این عرصه‌ها و در نتیجه هویت انسانی مخاطب در آن‌ها می‌شوند.

و همچنین ایجاد توأمان تمایز- تشابه میان خود و عرصه درونی، موجب تشخیص عرصه‌ها نسبت به هم می‌شوند. این موضوع نشانگر اهمیت حضور تسلسل و توالی همه‌ی گونه‌ها و انواع قلمروهای مکانی در هویت‌یابی است.

گونه‌های قلمروهای مکانی یعنی عرصه‌بندی‌ها، حاوی دسته‌بندی‌های خردتری هستند که مبانی مذکور را با هدایت به سمت انواع آن‌ها، یعنی میزان و زمان کنترل عرصه‌ها، به مبانی تقابل‌های جانشینی مبتنی بر زمان پیوند می‌زنند. شناسایی این انواع، در «میزان کنترل» (اولیه/ ثانویه/ آزاد) و «زمان کنترل» (دائم/ موقت)، با ارتباطات جانشینی که در آن‌ها مولفه‌های مکان به‌مثابه واحدهای نشانه‌ای وابسته به حضور- غیاب مولفه‌های ممکن دیگرند، معرف نسبی بودن عرصه‌ها و جابجایی آن‌ها نسبت به مفاهیم دیگر است؛ مثلاً، فضاها، پنج‌دری، ماهیتاً عرصه‌های خصوصی تلقی می‌شوند، اما در قیاس و نسبت به فضاها، سه‌دری، تغییر ماهیت داده و به عرصه‌های نیمه‌خصوصی بدل می‌شوند؛ یا عرصه‌بندی فضای باز حیاط مرکزی نسبت به فضای نیمه‌باز تالار و غیره در مسکن سنتی بدین گونه است. در واقع زیرمزمگان عرصه‌بندی در مکان‌های مذکور، بسته به شرایط و نسبت‌ها، موجب نشان‌داری یا بی‌نشانی قلمرو و عرصه‌های

تشکر و قدردانی

این مقاله هیچ حامی مالی و معنوی نداشته است.

تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافع است.

تأییدیه اخلاقی

نویسندگان متعهد می‌شوند که کلیه اصول اخلاقی انتشار اثر علمی را براساس اصول اخلاقی COPE رعایت کرده‌اند و در صورت احراز هر یک از موارد تخطی از اصول اخلاقی، حتی پس از انتشار مقاله، حق حذف مقاله و پیگیری مورد را به مجله می‌دهند.

درصد مشارکت

نویسندگان اعلام می‌دارند به‌طور مستقیم در مراحل انجام پژوهش و نگارش مقاله مشارکت فعال داشته‌اند.

پی‌نوشت

1. Interpretative Community
2. Semiosphere
3. Synchronic
4. Diachronic
5. Markedness
6. Syntagmatic
7. Paradigmatic
8. Formal Markedness

فهرست منابع

- Altman, Irwin. 1975. *Environment and social behavior: solitude, personal space, territory, crowding*. Translated by Ali namazian. Tehran: shahid Beheshti University publisher. [in Persian]
- Chandler, Daniel. 2007. *Semiotics: the basic*. Translated by Mahdi parsa. Tehran: Soure mehr publisher. [in Persian]
- Culler, Jonathan. 1960. *Very short income: Barthes*. Translated by Tina amrollahi. Tehran: Elm Publisher. [in Persian]
- Culler, Jonathan. 1985. *On Deconstruction: Theory and Criticism after Structuralism*. London.
- Culler, Jonathan. 2005. *Looking for signs*. Translated by Leila Sadeghi and tina amrollahi. Tehran: Elm publisher. [in Persian]
- Culler, Jonathan. 1977. Ferdinand de Saussure. Translated by kourosh safavi. Tehran. Hermes publisher. [in Persian]
- Eco, Umberto. 1979. *A Theory of Semiotics*. Bloomington, IN: Indiana University Press/ London: Macmillan. <https://iupress.org/9780253202178/a-theory-of-semiotics/>
- Eco, Umberto. 1986. *Semiotics and the Philosophy of Language* (T. A. Sebeok, Ed.). Bloomington: Published by Indiana University Press. <https://iupress.org/9780253203984/semiotics-and-the-philosophy-of-language/>
- Einifar, Alireza, and Azadeh Aghalatif. 2011. Concept of Territory in Residential complexe. *The Fine art Journal* 3(47):17-28 https://jfaup.ut.ac.ir/article_28927.html. [in Persian]
- Guiraud, Pierre. 1975. *Semiotics*. Translated by Mohamad nabavi. Tehran: Agah publisher. [in Persian]
- Hall, Stuart. 1996. *The west and the Rest: Discourse and power*. Translated by Mahmoud mottahed. Tehran: Agah publisher. [in Persian]
- Hall, Edward. T. 1966. *Hidden dimension*. Translated by Manouchehr tabibian. Tehran: Tehran University publisher. [in Persian]
- Hall, Edward. T. 1959. *The Silent Language*. New York: Doubleday AnchorBooks.26.
- Hall, Stuart. 1997. *Representation: Cultural Representation and Signifying Practices*. London: Sage & Open University. <https://www.cambridge.org/core/journals/social-anthropology/article/abs/>
- Jakobson, Roman. 2000. On linguistic aspects of translation. In *The translation studies reader*, edited by L. Venuti (pp. 113-118). London and New York: Routledge. (Original work published 1959)
- Johanson, Jergen Denis, and Steven Erik Larsen. 2002. *Signs in Use*. London: Routledge.
- Lang, John .1987. *Creating Architectural Theory: The role of bihavioral Science in Environmental design*. Translated by Alireza einifar. Tehran: Tehran University publisher. [in Persian]
- Lawson, Bryan. 2001. *The Language of Space*. Butterworth-Heinemann. London: Taylor & Francis eBooks.
- Lotman, Juri. 1984. On the semiosphere, *Sign System Studies* (Trudy poznaokym sistemam) vol. 1: 5-23
- Lotman, Juri. 1990. *Universe of the Mind: A Semiotic Theory of Culture*. Translated by Ann Shukman. Bloomington: Indiana University Press. <https://iupress.org/9780253214058/universe-of-the-mind/>
- Lotman, Juri. 2009. *Culture and Explosion*. Ed. Maria Grishakova, trans. Wilma Clark (N.Y.: Mouton de Gruyter.
- Lyons, John. 1977. *Semiotics*. 2 Vols. Cambridge: Cambridge University Press.
- Moein, Babak. 2010. Semiotics and place: Kaka's confectionery in kelardasht, Formation of middle and membrane space with high tension in the heart of khodi culture (Collection of Article). Tehran: Sokhan publisher. [in Persian]
- Mortazavi, Shahrnaz. 2001. *Environmental psychology and Its Application*. Tehran: Shahid Beheshti University publisher. [in Persian]
- Rapoport, Amos. 1969. *House, Form and Culture*. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hal
- Saussure, Ferdinand. 1916. *General linguistics Course*. Translated by Kourosh safavi. Tehran. Hermes publisher. [in Persian]
- Sojoodi, Farzan. 2009. Semiotics: Theory and practice (Collection of Articed). Tehran: Elm publisher. [in Persian]
- Sojoodi, Farzan., Nafiseh Orouji, and Farzaneh Farahzad. 2010. Studing intertextual Relations in the Intersemiotic Translation of the film Kanaan. *Comparative Art studied Journal* 1(1): 77-90. <https://elmnet.ir/doc/829009-12221>. [in Persian]
- Shahpasandzadeh, Babak. 2022. Investigatin the role of Time sings in analysing architectural works. *Armanshahr Journal* 15(41): 89-102. <https://doi.org/10.22034/j.armanshahr.2023.274522.2433>. [in Persian]

نحوه ارجاع به این مقاله

شاه‌پسندزاده، بابک، و کاظم ماندگاری. ۱۴۰۵. نشانه‌شناسی فرهنگی و تحلیل قلمروهای مکانی در مسکن سنتی ایران. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر ۱۹(۵۵): ۱-۱۵.

DOI: 10.22034/AAUD.2026.460470.2887

URL: https://www.armanshahrjournal.com/article_250889.html



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

